

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۳ (پیاپی ۲۰) بهار ۸۷

فرهنگ نگاری کاربردی محمد جارالله زمخشری

(علمی - پژوهشی)*

دکتر محمود شکیب انصاری

استاد دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

زمخشری دانشمند ایرانی تبار، که در نیمه دوم قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم (۵۳۸-۴۶۷) هجری قمری می‌زیست در علوم عربی و اسلامی تبحر ویژه‌ای داشته، و در رشته‌های گوناگون آن، آثار علمی و ادبی گرانسنگی به جای گذاشته است؛ از جمله لغتنامه «اساس البلاغه» که گامی بلند در تحول فرهنگ نگاری عربی در روزگار مؤلف به شمار می‌آید.

در این مقاله نخست مقدمه‌ای درباره سیر تحول فرهنگ نگاری عربی خواهد آمد. سپس شرحی مختصر بر احوال و آثار زمخشری و پس از آن هدف زمخشری از نگارش این کتاب بیان خواهد شد. سرانجام مقایسه آن با لغتنامه‌های پیشین عربی، شیوه نگارش و دیدگاه‌های منتقدان اساس البلاغه مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: فرهنگ نگاری عربی، زمخشری، اساس البلاغه.

مقدمه

فرهنگ نگاری عربی با بحث و بررسی در مورد واژگان قرآن آغاز شد. شاید اولین نوشته در این باره کتاب غریب القرآن عبدالله بن عباس (متوفای ۶۸ هـ) باشد (۱). برخی از علمای لغت به گردآوری و شرح واژگان حدیث پیامبر (ص) پرداختند و کتابهایی در این باره به رشته تحریر درآوردند؛ مانند کتابهای غریب الحدیث ابو عبیده

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۶/۴/۱۷

* تاریخ ارسال مقاله: ۸۵/۱/۱۶

(متوفای ۲۲۴ هـ) و غریب الحدیث ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶ هـ) و غریب الحدیث جارالله زمخشری (متوفای ۵۳۸ هـ) .

همزمان با فرهنگ نگاری لغات قرآن ، برخی از دانشمندان به تألیف رساله هایی (رساله با تک نگاشت فارسی برابر است) درباره واژگان خاص حیوانات و گیاهان و اسما و صفات و افعال و ... پرداختند .

در زمینه تألیف لغتنامه های جامع می توان گفت که الخلیل ابن احمد فراهیدی (متوفای ۱۷۵ هـ) (۲) اولین کسی بوده است که به چنین کار علمی دست زده ، و فرهنگ «العین» را تألیف کرده است (۳). ترتیب واژگان این لغتنامه بر حسب واجگاه حروف در دستگاه صوتی است که از حرف (ع) آغاز می شود .

پس از الخلیل گروهی از لغت شناسان همچون ابوعلی قالی مؤلف فرهنگ البارع و الأزهری مؤلف تهذیب اللغة و صاحب بن عباد مؤلف المحيط و الجوهره از شیوه و روش الخلیل بن احمد پیروی کردند؛ همراه با تغییراتی در ترتیب مخارج حروف .

البته مؤلفان این لغتنامه ها از تجربیات یکدیگر بهره بردند. در نتیجه لغتنامه البارع نسبت به ضبط و صحت واژگان توجه بیشتری داشته و کتاب التهذیب به واژگان دینی اهتمام ورزیده ، و لغتنامه المحيط به ذکر واژگان نامأنوس (غریب) پرداخته است (۳).

در قرن سوم و چهارم هجری لغتنامه هایی تألیف شد که در تنظیم واژگان عربی، روش الفبایی را مورد استفاده قرار داد. نویسندگان در این آثار، واژگان را بر حسب حرف اول کلمه مرتب کردند . نمونه این لغتنامه ها کتاب جمهره ابن درید (متوفای ۳۲۱) و دو لغتنامه ابن فارس قزوینی ، یعنی کتاب مقایس اللغة و کتاب المجمل، است .

در اواخر قرن چهارم لغتنامه ای منتشر شد که دو هدف اصلی لغتنامه های پیش از خود را برآورد کرد و آن، گردآوری واژگان صحیح عربی و شیوه آسان واژه یابی بود . این لغتنامه، کتاب تاج اللغة و صحاح العربیه تألیف ابونصر اسماعیل بن حماد جوهری (متوفای ۴۰۰ هـ) است .

شیوه تنظیم این لغتنامه بر حسب حرف آخر کلمه بوده است (۵).

تمام این لغتنامه ها از نظر روش و شیوه تألیف همانند بوده و هر کدام به بخشهایی (ابواب) مطابق حروف الفبای عربی تقسیم شده و هر بخش (باب) به فصلهایی بر حسب

حروف الفبا نیز ترتیب یافته است. برخی از این لغتنامه‌ها مختصر و برخی مفصل بوده است (۶).

در قرن پنجم هجری، لغتنامه‌ای منتشر شد که شیوه‌ای نو و روشی متفاوت با دیگر لغتنامه‌ها داشته است. این لغت نامه، اساس البلاغه محمود جارالله زمخشری (متوفای ۵۳۸ هـ) بوده است.

زمخشری کیست و روش فرهنگ نگاری اساس البلاغه چه بوده است؟ پاسخ به این سؤال، موضوع این مقاله را تشکیل می‌دهد.

محمود جارالله زمخشری

ابوالقاسم محمود بن عمر بن عمر زمخشری خوارزمی در سال (۴۶۷ هـ.ق) در زمخشر از توابع خوارزم چشم به جهان گشود (۷). آموزش مقدماتی خود را نزد پدر خویش، که مردی عالم و با تقوی بود به پایان رساند. هنگامی که به سن تحصیل رسید، پدرش وی را به خوارزم برد تا نزد علمای آن سامان به تحصیل علوم ادبی و دینی بپردازد. از جمله استادان معروف زمخشری در علوم عربی و ادبی و کلامی، شیخ ابو مضر محمود بن جریر ضبی اصفهانی (متوفای ۵۰۷ هـ.ق) بود. زمخشری نزد وی علوم و ادبیات عربی و کلام و توحید را آموخت و به تأثیر آن استاد مذهب اعتزال نیز پذیرفت. این دانشمند نامور خوارزم از نزدیکان نظام الملک طوسی بود (۸).

زمخشری نزد استادان معروف دیگر نیز شاگردی کرد؛ کسانی مانند شیخ ابوعلی ضریر و ابوالسعد المحسن بن محمد الجثمی بیهقی و الحسن بن مظفر نیشابوری و منصور جوالیقی و ابونعیم اصفهانی. وی همچنین در طلب علم به شهرهای مختلف خوارزم و خراسان و مرو و بخارا و اصفهان سفر کرد و از محضر دانشمندان آن بلاد بهره‌مند شد و در ادامه به حجاز و شام و مصر و بغداد رفت و سرانجام در مکه مکرمه اقامت گزید و آن قدر در مجاورت خانه خدا باقی ماند تا اینکه به «جارالله» ملقب گردید (۹).

زمخشری در سال (۵۳۳ هـ.ق) از مکه رهسپار بغداد شد و پس از این به زادگاهش بازگشت تا اینکه در سال (۵۳۸ هـ.ق) در خوارزم چشم از این جهان فرو بست (۱۰). درباره‌ی مقام و منزلت علمی و ادبی زمخشری، القفطی مؤلف کتاب انباه الرواه چنین می‌نویسد: «وی در علم و ادب و نحو و لغت زبانزد بوده و علامه‌ی ادب و أعلم فضلالی

فارسی به زبان عربی در زمان خود بوده است (۱۱). یاقوت حموی در معجم الأدباء، وی را این چنین توصیف می کند: «زمخشری در تفسیر و نحو و لغت و ادب پیشوا بوده است؛ با دانشی گسترده و فضل و برتری فراوان و در علوم گوناگون سررشته ای داشته است» (۱۲). زمخشری با تبحر و شناخت ژرف در علوم زبان عربی بویژه علوم بلاغی و ادبیات-عرب و داشتن ذوق شعری و ادبی، توانسته است اعجاز بلاغی قرآن را در تفسیر الکشاف به نحو احسن هویدا سازد؛ کاری که نه پیش از او و نه پس از او نظیری نداشته است.

برخی از آثار علمی و ادبی زمخشری

۱- **مقدمة الأدب**: این لغتنامه دو زبانه عربی-فارسی است که گفته می شود سه زبانه بوده است: عربی، فارسی و خوارزمی، مشتمل بر اسما و افعال و حروف و تصریف اسما و افعال. نسخه عربی-فارسی آن در ایران و نسخه عربی-خوارزمی آن در ترکیه چاپ شده است.

۲- **اساس البلاغه**: لغتنامه ای عربی-عربی در زمینه کاربرد واژگان عربی است که جایگاه آن را در جمله بررسی می کند. درباره روش زمخشری در نگارش این کتاب در این نوشته به تفصیل بحث خواهد شد.

۳- **المفصل فی النحو**: این کتاب در قواعد علم نحو عربی و در چهار بخش تألیف شده؛ اسما و افعال و حروف و آنچه در میان آنها مشترک است.

۴- **الکشاف عن حقیقة التنزیل**: تفسیری بر قرآن کریم است.

۵- **الفائق فی غریب الحدیث**: این کتاب بارها در مصر تجدید چاپ شده است.

۶- **الانموذج**: کتابی در نحو عربی است که ضمن جامع المقدمات بارها در ایران به چاپ رسیده است.

۷- المستقصى فی الامثال

این کتاب مجموعه ای از ضرب المثلهای عربی بر حسب حروف ابجدی تنظیم شده و در مصر به چاپ رسیده است.

۸- **کتاب نوابغ الکلم**: در زمینه بلاغت و بلیغان زبان عربی است.

- ۹ - **کتاب الأمکنه و الجبال و المیاه** : این کتاب فرهنگ جغرافیایی است . به زبان لاتین ترجمه شده ، و در شهر لیدن به چاپ رسیده است . متن عربی آن در نجف اشرف چاپ گردیده است .
- ۱۰ - **المحاجة و الاغلوطات** : درباره برخی از مسائل نحو عربی که در مصر به چاپ رسیده است .
- ۱۱ - رساله ای درباره « شهادت » که نسخه خطی آن در کتابخانه برلین است .
- ۱۲ - **دیوان شعر زمخشری** : خطی است که در کتابخانه ملی قاهره است .
- ۱۳ - **مقامات زمخشری** : این کتاب شامل مجموعه ای از داستانها به شیوه مقامه نویسی است که اولین بار در سال (۱۳۱۲ هـ ق) چاپ شده است .
- ۱۴ - **اعجب العجب فی شعر لامیه العرب** : در مصر به چاپ رسیده است .
- ۱۵ - **تعلیم المبتدی و ارشاد المهندی** : خطی است که در کتابخانه دارالکتب المصریه در قاهره نگهداری می شود . کتاب به زبان عربی با زیرنویسهایی به زبان فارسی است (۱۳).

فرهنگ نگاری اساس البلاغه

زمخشری در تألیف اساس البلاغه، شیوه ای متفاوت با شیوه های تألیف لغتنامه های پیش از خود به کار برده و حتی عنوان آن با عناوین لغتنامه های پیشین، تفاوت داشته است . مؤلفان پیشین، کتابهای خود را محیط و صحیح و تهذیب و بارع و ... نامیدند ، اما زمخشری عنوانی برای لغتنامه خود برگزیده که نشانگر اهتمام وی به کاربرد بلاغی واژگان بوده است .

در واقع، هدف و مقصود زمخشری از تألیف این کتاب، آن گونه که خود در مقدمه اساس البلاغه بیان کرده است ، یکی دینی بود و آن هویدا ساختن شیوایی واژگان عربی و رسایی آن است هنگامی که در جمله درمی آید . او نمود اعجاز این زبان را در آیات قرآن و سخنان پیامبر اسلام دیده بود .

به گفته زمخشری : « و هنگامی که خدا کتابش را فرو فرستاد که در میان کتابهای آسمانی آن را به صفت بلاغت اختصاص داد از میان دانشمندان برجسته ، یاران ملت اسلام و مدافعان از حریم دین مبین و آورندگان دلیل از زبان اعراب اصیل در چالش با

ناباوران، دانشمندانی بودند که چشم انداز و جولانگاه اندیشه شان، رویکردی بود به آیینهای زبان آوران و یافتن سر رشته های رساگویان و گزینش از میان الفاظ پر کاربرد و گفت و شنودهای کلام آنها و تشخیص آنچه برگزیدند و بیخندند و آنچه دور ریختند و پذیرفتند و نگریستن در آنچه سراینده آن از جهتهای اعجاز چیره ترو به رازهای آن دانانتر بوده است و به این سوی رفت بنده نیازمند خدا محمود بن عمر زمخشری (خداوند از گناه او درگذرد) در تألیف کتاب اساس البلاغه (۱۴).

هدف دیگر زمخشری از تألیف این لغتنامه، جنبه ادبی و علمی بوده است. وی می خواست جنبه های ادبی را در کلام عرب آشکار کند: «فهو یرمی إذن الی تبیین مراسم البلاغة فی اقوال العرب ... و هو من علم البیان حَظی» (۱۵): پس هدف این بوده است که آیینهای بلاغت در سخنان عرب را روشن کند و این کتاب از علم بیان بهره مند است. بر همین اساس تلاش مؤلف، همواره برگزیدن واژگان و عبارتها و جمله هایی بوده که در دنیای فصاحت و بلاغت جایگاهی بس رفیع داشته است. وی در مقدمه کتاب می نویسد: «و من خصائص هذا الكتاب تخیر ما وقع فی عبارات المبدعين و انطوی تحت استعمالات المفلقین ... من التراکیب التي تملح و تحسن ...» (۱۶): از ویژگیهای این کتاب، گزینش ترکیبهای زیبا و نیکوست که در عبارات ابداع کنندگان و کاربرد زبان آوران برجسته آمده است.

روش تنظیم واژگان اساس البلاغه به این صورت است که زمخشری آنها را بر حسب حروف الفبایی مرتب ساخته و حرف اول کلمه را ملاک آن نظم و ترتیب قرار داده و هر بخشی (باب) را به یک حرف مختص کرده است؛ چون: باب الهمزة، باب الباء، باب التاء، باب الثاء و ... هر باب هم به فصلهایی بر حسب حرف دوم کلمه اصلی تقسیم شده؛ به عنوان نمونه، باب الهمزة به این فصلها تقسیم شده است: الهمزة مع الباء، الهمزة مع التاء، الهمزة مع الجیم تا آخر.

مهمترین امتیاز این لغتنامه نسبت به لغتنامه های دیگر، که در مقدمه این نوشتار به برخی از آنها اشاره شد، پرداختن به کاربرد مجازی واژگان بوده است. زمخشری پس از بیان معانی حقیقی هر واژه به توضیح کاربرد مجازی آن می پردازد؛ به عنوان مثال در باب (ح)، ح ص د: حَصَدَ: درو کرد، «فهو حصید» درو شده و «جمعه حصائد» و

هذا زمان حصاده « و « أخذوا حصادَ الشجر » یعنی میوه آن و « أحصد الزرع و استحصَدَ: زمان درو آن رسید و « أحصدَ الحبلُ و حبلٌ محصَدٌ و قد استحصَدَ الحبل »: تافتن ریسمان محکم شد و ریسمانی محکم تافته شده و ریسمان محکم تافته شد و من المجاز « حصدهم السيف »: کشت آنها را و « هل يُكَبُّ على مناخرهم في النار الاحصاد ألسنتهم »: و آیا چیزی غیر از حاصل زبانهایشان است که آنها را در دوزخ بر روی می افکنند و « من زرع شراً حصَدَ الندامة » (۱۷): هر که شررا کاشت پشیمانی درو کرد (حاصل کرد).

زمخشری گاهی پس از بیان معنی حقیقی واژه عربی به عبارت « و من المجاز » یا عبارت « و من الکنایه » و گاهی « و من المستعار » به کار می برد. اما منظور وی از آوردن این دو عبارت، جدا کردن « کنایه » از « مجاز » یا « استعاره » نیست، بلکه هر سه عبارت را مترادف و هم معنی دانسته است.

وی « استعاره » را جزو « مجاز » می داند؛ همان گونه که در تعریف واژه « بَنَى »، زمخشری پس از توضیح معنای لفظی کلمه و کاربرد حقیقی آن در عبارتها و جمله هایی از نثر بلیغ و اشعار ناب عربی می نویسد: « و از واژگان « مجاز » « بنی علی اهله » یعنی عروسی کرد و اصل این مجاز این بود که داماد هنگام عروسی خیمه ای برای عروسی بنا می کرد (بر پا می کرد)، لذا گفتند: « بنی بأهله » مانند گفتنشان: « أعرس بها » یعنی با وی عروسی کرد و « استبني » و « ابنتي » نیز به معنی با وی عروسی کرد. شاعر گوید:

أرى كُلَّ ذِي أَهْلٍ يُقِيمُ وَيَبْنِي مَقِيمًا وَمَا اسْتَبْنَيْتِ الْاَعْلَى ظَهْرَ

«می بینم هر آدمی که دارای همسری است، سکنی می گزیند و در حال اقامت عروسی می کند و من جز بر پشت شتری (مرکوبی) عروسی نکردم.

و « بنی مکرمة و ابتناها و هو من بناء المكارم »: کار نیکی را به وجود آورد و او از پدید آوردن کارهای نیک است.

و قال بناءً مكارمٍ و أساءةً كلمٍ دماؤهم من الكلم الشفاء

سازندگان نیکی ها و درمان کنندگان زخمند. خونهایشان شفا یافتن زخم است و بنی فلان علی الحزم قال زهير:

قَوْمٌ هُمْ وُلِدُوا أَبِي وَلَهُمْ لَصَبُ الْحِجَازِ بُنُوا عَلِيَّ الْحِزْمِ (۱۸)

مردمانی پدرم را زاده اند که دارای تندخویی و صلابت حجازند؛ بر دوران‌دیشی و ثبات ساخته شدند. زمخشری «کنایه» را در ضمن معنای «مجاز» می‌آورد؛ مانند «و طلع ابن ذُکاء» و «هو الصبح: سپیده دمیدو» «صادوا بنات الماء و هی الغرائق»: پرندگان دریایی را شکار کردند و «هو ابن جلا» (۱۹): مرد نامور. زمخشری گاهی میان دو عنوان «مجاز» و «کنایه» گرد می‌آورد و می‌نویسد: «و من المجاز و الکنایه» و گاهی آن دو را جدا از هم به کار می‌برد و برای هر کدام از مجاز و کنایه و استعاره، نمونه‌هایی کاربردی نقل می‌کند. اما در همه احوال، توجه وی به استعاره بوده است و از میان انواع استعاره بیشتر به «استعاره تصریحیه»، سپس «استعاره مکنیه» اهتمام می‌ورزد.

نمونه‌ای از این توجه و اهتمام به انواع استعاره در واژه «ضَوًّا» آمده است؛ مانند «ضَوًّا: اشرق ضوء الشمس و ضیاؤها...»: روشنایی خورشید تابید.

سپس به استعاره مکنیه می‌پردازد و می‌نویسد: «لفلان رأی مضيء فی دُجی المشکلات»: فلانی در دشواری مشکلات دارای نظری روشن است و «استضأتُ برأیه» (۲۰): با نظر وی روشن شدم، رهنمود شدم. نمونه‌ای از کنایات در واژه «زیل» آمده است: «و من الکنایة هو مُتَزَيِّل عن فلان، یعنی محتشم، لأنه اذا احتشم منه باینه بشخصه و انقبض عنه» (۲۱): و از کنایه: هو متزیل... یعنی با شرم و حیا است؛ زیرا اگر از فلانی شرم و حیا داشت از وی دوری می‌جست. همچنین درباره واژه «قرّ»، «قل للعاجز عن جواب سؤالك قد تكسرت قواريرك» (۲۲) یعنی بگو به کسی که از پاسخ پرسش‌های ناتوان مانده است، ظروف شیشه‌ای تو شکست (متزلزل شدی). زمخشری در اساس البلاغه در تعریف واژه «أدب»، مثالهایی از کنایه عن موصوف آورده است؛ مانند «جاش أدب البحر اذا كثر ماؤه» (۲۳): آرامش دریا برآشفته شد اگر آب آن افزایش یافت. درباره واژه «أزر»، مثالی از کنایه عن نسه نقل کرده: «فلان عفيف المئزر و الإزار» (۲۴): فلان پاکدامن است. زمخشری به مجازات لغوی نیز توجه داشته است؛ به عنوان نمونه در زمینه اطلاق نام محل شیء بر خود شیء. وی در توضیح واژه «سمو» می‌نویسد: «أصابتهم سماء غزيرة یعنی مطر» (۲۵): آسمانی پر باران به آنها رسید؛ یعنی باران فراوان یا ابر پر باران بر آنها بارید.

باری لغتنامهٔ اساس البلاغه زمخشری، فرهنگ لغوی ادبی عربی است که مؤلف در آن، کاربرد الفاظ فصیح و مأنوس عربی را در سخنان نغز و زیبا و ضرب المثلهای و آیات و احادیث بیان کرده و مفهوم حقیقی و مجازی آن را روشن ساخته است.

خرده گیری بر اساس البلاغه :

منتقدان لغتنامهٔ زمخشری در مواردی از شیوهٔ تألیف و برخی محتویات کتاب خرده گرفته اند؛ مانند اینکه کتاب مختصر است؛ اعراب گذاری نشده؛ مجازات و کنایات و استعاره ها از هم جدا نیست و یا آیات قرآن بدون ذکر شماره آیه و نام سوره نقل شده است یا اینکه در تنظیم برخی از واژگان اشتباهاتی رخ داده یا زمخشری از ذکر سرایندگان و گویندگان اشعار و عبارتها خودداری کرده است (۲۶).

به نظر نگارنده اگر زمخشری این موارد را رعایت می کرد، بسیار خوب بود؛ اما به نظر می رسد که وی قصد تألیف لغتنامه ای مانند لغتنامه های عمومی مانند مقایس یا العین یا المحيط نداشته است، بلکه هدف وی تألیف لغتنامه ای ادبی- بلاغی به روش کاربردی بوده است که در آن سخنان نغز و اشعار نیکو و زیبای عربی را گرد آورد. به همین دلیل، کتابش مختصر و گزیده از کار درآمده است و چون مخاطبان زمخشری گروهی درس خوانده و با علوم بلاغی آشنا بودند، وی به شرح و توضیح موضوعات مجاز نپرداخته و آن را نزد خوانندگان کتاب واضح پنداشته است.

در زمان ما برای شناخت شواهد بلاغی و مثالهای اساس البلاغه لازم است خواننده، نخست با مسائل علوم بلاغی آشنا باشد تا آن امثله را بشناسد. به هر حال اساس البلاغه لغتنامه ای است تخصصی- کاربردی که با سایر لغتنامه های عربی قدیم و جدید تفاوت دارد و گنجینه ای است که نمونه هایی از کاربرد واژگان شیوا و رسای عربی را در جمله ها و عبارتها و اشعار و آیات و احادیث دربردارد (۲۷).

پی نوشتها

۱- بروکلمان: تاریخ الادب العربی، ج ۱ الهيئة المصریة العامه، القاهرة ف (۱۳۹۳

هـ)، ص ۳۳.

۲- حموی، یاقوت: معجم الأباء، ج ۶، (۱۹۹۳)، دارالغرب الاسلامیة، ص ۲۶۸۷.

- ۳- گفته می شود که نیاگان الخلیل بن احمد از ایرانیان ساکن یمن و از موالی قبیله (فراهید) بودند .
- ۴- کتاب العین در ۸ جلد به روش افسست در سال (۱۴۰۵ هـ) در انتشارات دارالهجره قم منتشر شده است .
- ۵- روای، صلاح، المدارس المعجمیه العربیه (۱۹۹۰ هـ)، دارالثقافه، بیروت، ص ۶ .
- ۶- همان، ص ۹۸ .
- ۷- ابن خلکان : وفيات الاعیان، ج ۵، دار صادر، بیروت (۱۹۶۸)، ص ۱۶۸ .
- ۸- حموی، یاقوت : معجم الأدباء، ج ۹، ص ۱۲۴ .
- ۹- همان منبع، ص ۱۶۲ .
- ۱۰- التبریزی، محمد علی مدرس: ریحانه الادب، ج ۲، انتشارات شفق، بی تا، تبریز .
- ۱۱- القفطی : أنباه الرواة، ج ۳، دارالکتب المصریه، القاهره، بی تا .
- ۱۲- حموی، یاقوت : معجم الأدباء، ج ۹، ص ۱۲۶ .
- ۱۳- زیدان، جرجی: تاریخ آداب اللغة العربیه، ج ۲، دارالفکر، بیروت، (۱۹۹۶)، ص ۵۰ .
- ۱۴- زمخشری، محمود جارالله : اساس البلاغه مکتبه لبنان، (۱۹۹۶) المقدمه، ص ۱ .
- ۱۵- همان، المقدمه، ص ۲ .
- ۱۶- همان، المقدمه، ص ۲ .
- ۱۷- همان : ص ۸۳ .
- ۱۸- همان : ص ۳۰ .
- ۱۹- همان : ص ۳۱ .
- ۲۰- همان : ص ۲۶۹ .
- ۲۱- همان : ص ۱۹۴ .
- ۲۲- همان : ص ۳۵۸ .
- ۲۳- همان : ص ۴ .
- ۲۴- همان : ص ۵ .
- ۲۵- همان : ص ۲ .

۲۶- نصار، حسین، المعجم العربى، ج ۲، دارالمعارف، القاهرة (۱۹۶۸)، ص ۸۷.
 ۲۷- این لغتنامه برای فهم مجازات عربی بسیار سودمند است، اما همین عبارات و مجازات هنگام ترجمه به فارسی غالباً دگرگون می شود؛ همان گونه که در ترجمه نمونه های گذشته ملاحظه شد. افزون بر این، نثر عربی زمخشری جمله های مرکب و معترضه دارد که شاید این سبک فارسی آن زمان بوده است. در ترجمه سخنان زمخشری سعی شد سبک انشایی وی تا حدودی رعایت شود.

الملخص

الزمخشرى عالم ايرانى الاصل و المحتد، ولد عام ۵۳۸ هـ. ق، و توفى عام ۴۶۷ هـ. ق، كان عالماً من اعلام اللغة و الادب و التفسير، خَلَف آثاراً علمية و ادبية قيِّمة، منها كتابه «اساس البلاغة» الذى يعتبر خطوةً مهمةً فى تطور المعجمية العربية. و فى هذا المقال سنمهد حول تاريخ المعجمية العربية، ثم نأتى بشرح مختصر عن حياة الزمخشرى العلمية و الثقافية. بعد ذلك نتطرق الى المنهج العلمى التطبيقى للزمخشرى فى تأليف اساس البلاغة، مع ذكر امثلة متنوعه لذلك.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن منظور. (هـ. ق ۱۴۰۵). **لسان العرب**. ج ۱. افست قم.
- ۲- ابن خلكان. (۱۹۶۸). **وفیات الاعیان**. ج ۵. بیروت: دار صادر.
- ۳- بروكلمان. (۱۳۹۳هـ. ق). **تاریخ الادب العربی**. ج ۱. الهيئة المصرية العامة، القاهرة.
- ۴- الحموی ، یاقوت. (۱۹۹۳). **معجم الأدباء**. ج ۶. دار العرب الاسلامیة .
- ۵- رواى ، صلاح. (۱۹۹۰). **المدارس المعجمیة العربیة**. بیروت: دارالثقافة .
- ۶- الزمخشری ، محمود جارالله. (بی تا). **تفسیر الکشاف** ، ج ۱. افست تهران .
- ۷- الزمخشری ، محمود جارالله. (۱۹۹۶). **اساس البلاغة** . مكتبة لبنان .
- ۸- فاخر ، امین. (بی تا). **دراسات فی المعجم العربی** . القاهرة .
- ۹- الفراهیدی ، الخلیل بن احمد. (۱۳۶۵). **الیعن** . افست قم . (۱۳۶۵ هـ. ق).
- ۱۰- الفیروز آبادی. (هـ. ق ۱۴۱۴). **القاموس المحیط**. بیروت: دارالفکر.
- ۱۱- القفطی : أنباء الرواة . ج ۳ . دار الکتب المصریة . القاهرة. بی تا .
- ۱۲- نصار ، حسین. (۱۹۶۸). **المعجم العربی** . ج ۲ . القاهرة : دارالمعارف